

گفت و گو با مهوش ادیب، رئیس «انجمن معلولان ضایعه نخاعی تهران»

رشد قارچ گونه برخی موسسات مشکل ساز است



طرح نو | رضا نامجو | فعالیت انجمن ها و موسسات خیریه، از تسلط مستقیمی با امکانات دولتی ندارد. از همین رهگذر حضور افراد خیر و همکاری آنها با این موسسات از اهمیت بالایی برخوردار است. نکته قابل توجه در این بحث، فرآیند اعتمادسازی است که باید از سوی موسسات صورت گیرد تا مردم را به سمت کمک به اینگونه موسسات ترغیب کند. از جمله مشکلات اساسی که انجمن های خیریه فعال (و البته غیر معروف) با آن دست و پنجه نرم می کنند، معطوف به همین ماجراست. آنچنان که برخی از موسسات خیریه به واسطه عدم شفافیتی که در کارها پیدایش داده می شود، همکاری مردم با موسسات خیریه را با چالش مواجه کرده اند. مهوش ادیب، رئیس «انجمن معلولان ضایعه نخاعی تهران» با ما است تا درباره مشکلات و موانع پیش روی موسسات خیریه و البته کار خیر در جامعه ایران صحبت کند.

خیریه به جلب کرد؟

تنها راهی که می توان به واسطه آن امیدوار بود خیرین به یک موسسه و اقدامات آن اعتماد کنند این است که ببینند مراکز خیریه تا چه حد در انجام کارهایشان صادق هستند. خیرین وقتی صداقت کاری را می بینند و در برخورد های عملی در جریان فعالیت های انجمن قرار می گیرند، کمک های خود را مستمر انجام خواهند داد.

محدودیت هایی که از آنها سخن گفتید تا چه حد به موضوع تبلیغات مربوط است؟

بالاخره تا زمانی که مردم این انجمن را نشناسند، نمی توان از آنها توقع کمک داشت... انجمن ما در مورد تبلیغات تا حدودی ضعیف عمل کرده است. شاید به آن خاطر که این علاقه در انجمن وجود ندارد که اقداماتش را از طریق مطبوعات معرفی کند. حال آن که خیلی از انجمن ها این کار را انجام می دهند. ما بیشتر با کاری که انجمن انجام می دهد و به علاوه معرفی اقدامات روی سایت انجمن در پی معرفی خود هستیم. خیلی از

خیرین بعد از دیدن فعالیت ها و عملکرد انجمن روی سایت این اشتیاق را پیدا می کنند که با انجمن همکاری کنند.

افزایش تعداد موسسات خیریه از منظر بیرونی اتفاق خوبی به نظر می رسد. چه اتفاقی افتاده که شما از این قضیه ابراز تاسف می کنید؟

متأسفانه عنصر شفافیت در فعالیت بسیاری از انجمن ها وجود ندارد. وجود چنین معضلی باعث می شود نظر خیرین درباره موسسات و انجمن های خیریه تغییر کند. خیلی از مراجعه کنندگان به «انجمن معلولان ضایعه نخاعی تهران» در مورد این عدم اعتماد به برخی موسسات صحبت می کنند. آنها نمی توانند به هر جایی اعتماد کنند. در چنین شرایطی، کار موسسات ما چند برابر می شود چون هم باید اعتماد از دست رفته نسبت به موسسات خیریه را بازگردانیم و از سوی دیگر با شفافیت در فعالیت هایمان این اعتماد را افزایش دهیم. باید به آنها بقبولانیم که ما به انجمن می کنیم، بلکه در راستای اهداف انجمن هزینه می شود.

انجمن شما به لحاظ مالی چه نیازهایی دارد و چه اهداف بلندمدت و کوتاه مدتی برای انجام فعالیت های شما در نظر گرفته است؟

ما مقوله آموزش را در صدر فعالیت هایمان قرار داده ایم. در سال جدید تصمیم گرفتیم عمده فعالیت های خودمان را روی مقوله آموزش و فرهنگ سازی متمرکز کنیم. پیش از این حمایت را به صورت جدی

انجام می دادیم اما به این نتیجه رسیدیم که حمایت بدون آموزش به بچه های تحت پوشش کمک شایانی نمی کند. آموزش از طریق فرهنگ سازی آنها را آماده ورود به جامعه می کند. بنابراین بیشترین اهمیت را به کارگاه های آموزشی و برنامه های علمی-آموزشی می دهیم.

در همین راستا همایش های علمی هم برگزار می کنیم و البته برای شرکت بچه ها در کارگاه ها امکاناتی نظیر ایاب و ذهاب را فراهم می کنیم تا بتوانند در کارگاه ها شرکت کنند. در ادامه روی کمک هزینه های درمانی و کمک رسانی برای خرید تجهیزات پزشکی (از خرید ویلچر و تشک روی ویلچر و تشک روی تخت گرفته تا بقیه امکانات) تمرکز می کنیم. از سوی دیگر افرادی هم هستند که تحت پوشش انجمن هستند و به صورت ماهیانه مبالغی به آنها داده می شود. از طرف دیگر، در طول سال در دو تا سه نوبت به افراد نیازمندان می دهیم و در آغاز سال تحصیلی هم به بچه های ضایعه نخاعی یا کودکانی که در این خانواده ها زندگی می کنند، لوازم التحریر می دهیم.

با توجه به این که فرهنگ سازی به عنوان یکی از ارکان دارای اهمیت از سوی شما هم مورد توجه قرار گرفته، در مقوله آموزش چه خلأهای احتمالی وجود دارند که فعالیت های شما را با مشکل مواجه می کنند؟

در این زمینه مشکلات زیادی وجود دارد. به عنوان مثال ما برای شرکت کردن افراد تحت پوشش انجمن در کارگاه های آموزشی نیاز به وسایل ایاب و ذهابی داریم که مخصوص آنها باشد. همان طور که می دانید، بچه های ضایعه نخاعی امکان جابه جایی با وسایل نقلیه عمومی را ندارند. در حال حاضر سازمانه اتوبوسرانی چند دستگاه اتوبوس را در اختیار این افراد قرار می دهد اما تعداد این

وسایل کافی نیست. ما این مشکلات را داریم و از سوی دیگر برخی مشکلات هم در جامعه وجود دارد اما هدف اصلی ما بچه های تحت پوشش هستند. اگر بتوانیم همین افراد را برای ورود به جامعه توانمند کنیم و آنها را به زندگی عادی برگردانیم، وظیفه اصلی خود را انجام داده ایم. از سوی دیگر تلاش ما در جهتی است که افراد مبتلا به ضایعه نخاعی روی مسائل و مشکلات خود آگاهی پیدا کنند و در ادامه شهرتند بیماری در آنها کاهش یابد. افراد آسیب نخاعی هم شهروندان همین کشور هستند اما نمی توانند از امکانات عمومی که حق استفاده از آنها را دارند، استفاده کنند. البته در یکی، ۲ سال اخیر از سوی شهرداری ها همکاری هایی صورت گرفته اما هنوز جای کار های بسیاری وجود دارد.

دامه از صفحه ۱۱

ذره بین

موانع پیش روی مددکاران حوزه کودک

جابر مستوفی | مددکار کودکان کار

برای آنها دفترچه تأمین اجتماعی صادر شده است. البته آن طور که مشخص است، بیمه ۱۲۰ کودک جنبه نمادین دارد و گفته شده که تمامی کودکان کاری که از طریق NGOها معرفی می شوند از این بیمه بهره مند خواهند شد. امیدواریم زمانی که این بیمه برای کودکان کار فراهم می شود، قدم بزرگی در زمینه حمایت از کودکان کار برداشته شده باشد.

طرح هایی از این دست می تواند در رفع پدیده کودکان کار موثر باشد و آنان را تا حدی در امنیت و آسایش قرار دهد. یکی از مشکلات جدی فعالان واقعی حقوق کودک، آمارهایی است که هر از چند گاه از طرف بعضی از نهادها منتشر می شود و کودکان کار را با بیماری های مختلف معرفی می کند. این مسأله باعث می شود که فعالان و داوطلبان کمتری به انجمن ها مراجعه کرده و نیروی خود را وقف حقوق کودکان کنند. برای نمونه در چند ماه گذشته شاهد آن بوده ایم که براساس یک مطالعه روی ۱۰۰۰ کودک کار، ۷۲ درصد از آنها دارای سوء مصرف مواد مخدر دانسته شده اند که چیزی حدود ۵۰ درصد از آنان هم از مواد تریقی استفاده می کرده اند و ۳۰ درصد از آنها هم روابط پرخطر داشته اند.

طبق آمارهایی که ارائه می شود، شیوع ایذ بین کودکان کار ۳۵ برابر جمعیت عادی جامعه دانسته می شود. همان طور که اشاره شد، این آمارها کار را برای فعالان حقوق کودک سخت کرده و اشتیاق داوطلبان برای خدمت به کودکان کار را به طور چشمگیری کم می کند. یک نگرش دیگر هم وجود دارد که کودکان کار را عضو گروهی می دانند که به طور تیمی فعالیت می کنند و به کارهای مختلف حتی دزدی- دست می زنند. همه این موارد باعث می شود که انجمن های فعال در این زمینه نتوانند به خوبی فعالیت خود را ادامه دهند و متناسب با نیازهایی که دارند به جذب داوطلب و کمک مادی بپردازند.

حمایت از حقوق کودکان به ویژه آن دسته که محروم دانسته می شوند و در معرض آسیب های ناشی از بحران ها و نابسامانی های اجتماعی و حوادث طبیعی هستند، وظیفه ای کاملاً انسانی است که برعهده همه افراد، سازمان ها و نهادهای یک جامعه است. بی شک بدون توجه کافی به حقوق کودکان و سرمایه گذاری و برنامه ریزی در امر آموزش، بهداشت و ارتقای سطح زندگی آنان امیدی برای دستیابی به دنیایی بهتر وجود نخواهد داشت.

انجمن های فعال در زمینه حمایت از کودکان کار به عنوان نهادی مردمی، غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی فعالیت می کنند و هدف آنها حمایت از کودکان کار و کودکان در معرض آسیب است. انجمن های فعال در زمینه حقوق کودک از اوایل دهه ۸۰ فعالیت جدی خود را شروع کردند و بدون در نظر گرفتن ملیت، قومیت، جنسیت، رنگ، نژاد و مذهب به کودکان کار و در معرض آسیب، خدمات آموزشی-حمایتی را به شکل کاملاً رایگان ارائه داده اند. تنها آرزویی که اعضای این انجمن ها در ذهن خود دارند و هر روز آن را می پروراند، این است که دنیایی شکل بگیرد که در آن تمام کودکان عاری از هرگونه تبعیضی از حق های مختلفی که جزو موارد اولیه حق حیات به شمار می روند، بهره مند باشند.

واقعیت آن است که مشکلات کودکان کار را نمی توان با فعالیت یک نهاد، آن هم یک نهاد خصوصی حل و فصل کرد؛ ساماندهی بحث کودکان کار نیازمند یک همبستگی اجتماعی و فعالیت دسته جمعی است؛ اخیراً وزارت کار و تعاون اجتماعی طرحی مبنی بر بیمه کودکان کار را مطرح کرده که در آن کودکان بیمه می شوند. براساس این طرح که با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بیمه سلامت ایرانیان و سازمان های مردم نهاد انجام شده، ۱۲۰ کودک به طور نمادین تحت پوشش بیمه قرار گرفته اند

یکی از مشکلات جدی فعالان واقعی حقوق کودک، آمارهایی است که هر از چند گاه از طرف بعضی از نهادها منتشر می شود و کودکان کار را با بیماری های مختلف معرفی می کند

می کنند. یک نگرش دیگر هم وجود دارد که کودکان کار را عضو گروهی می دانند که به طور تیمی فعالیت می کنند و به کارهای مختلف حتی دزدی- دست می زنند. همه این موارد باعث می شود که انجمن های فعال در این زمینه نتوانند به خوبی فعالیت خود را ادامه دهند و متناسب با نیازهایی که دارند به جذب داوطلب و کمک مادی بپردازند.



دامه از صفحه ۹

نگاه های مردمی و دولتی

فعالان کشور ما جزو کشورهای جوان در دنیا شناخته شده است، ولی جمعیت ما به سرعت به میانسالی نزدیک می شود و در اندک زمان دارای کشوری میانسال با تعداد سالمندان زیاد خواهیم بود. خوشبختانه در کشور ما همگام با جامعه جهانی و بنا بر یک سری از سنت ها و مسائل عرفی مقدمات و مقررات خاصی جهت حمایت از این قشر جامعه در دست اقدام است. از سال ۷۸ نگاه به سالمند با قوانینی خاص مورد توجه قرار گرفت و در سال ۸۰ با برگزاری اولین کنفرانس سالمندی در دانشگاه توانبخشی توجیه بیشتری به این مسأله به عمل آمد. اما نکته ای که در مورد کار با سالمندان به چشم می خورد و حضور و فعالیت خیریه ها در این زمینه را با مشکل روبه رو می کند، این است که نگاه های مردمی و دولتی به این خیریه ها مثل یک خیریه که مربوط به رفع بیماری می شود، نیست.

مردم آنقدرها که شایسته است، کمک

فعالان کشور ما جزو کشورهای جوان در دنیا شناخته شده است، ولی جمعیت ما به سرعت به میانسالی نزدیک می شود و در اندک زمان دارای کشوری میانسال با تعداد سالمندان زیاد خواهیم بود. خوشبختانه در کشور ما همگام با جامعه جهانی و بنا بر یک سری از سنت ها و مسائل عرفی مقدمات و مقررات خاصی جهت حمایت از این قشر جامعه در دست اقدام است. از سال ۷۸ نگاه به سالمند با قوانینی خاص مورد توجه قرار گرفت و در سال ۸۰ با برگزاری اولین کنفرانس سالمندی در دانشگاه توانبخشی توجیه بیشتری به این مسأله به عمل آمد. اما نکته ای که در مورد کار با سالمندان به چشم می خورد و حضور و فعالیت خیریه ها در این زمینه را با مشکل روبه رو می کند، این است که نگاه های مردمی و دولتی به این خیریه ها مثل یک خیریه که مربوط به رفع بیماری می شود، نیست.

دامه از صفحه ۹